

سیاست جدید وهابیت در آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

نه‌سنده ه محققه،
حسن گلی

اشاره :

روز یکشنبه 27 مرداد ماه سال جاری برابر با 17 اوت؛ در مسجد ابوبکر شهر باکو انفجار نسبتاً شدیدی رخ داد که در اثر آن چندین نفر کشته و زخمی شدند، از آنجائیکه این مسجد متعلق به وهابیون آذربایجان می باشد این قلم خواهد کوشید در خصوص سیاستهای جدید وهابیون جمهوری آذربایجان که می تواند علل واقعی این انفجار را روشن نماید بحث نموده و نیز در خصوص مسائلی از قبیل دلایل گسترش وهابیت در آذربایجان و نتایج آن توضیحاتی ارائه نماید. لازم به توضیح است مسجد ابوبکر حدود یازده سال قبل از این با حمایت همه جانبه عربستان سعودی و کویت ساخته شده و امروزه به محل اصلی فعال وهابیت در آذربایجان تبدیل شده است و قامت سلیمانوف امام جماعت این مسجد، آذری تحصیل کرده عربستان سعودی است که تحت تعالیم این کشور از هیچ کوششی برای ترویج وهابیت دریغ نمی نماید .

مقدمه :

سرزمینی که امروزه جمهوری آذربایجان نامیده می شود قبل از انعقاد قراردادهای گلستان (1813م) و ترکمنچای (1828م) بخشی از خاک کشور ایران محسوب می شد. این منطقه بعد از جدایی از ایران زمانی تحت سلطه تزارهای روسیه و مدتی تحت استیلای کمونیستها قرار داشت تا اینکه در سال 1991 با فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی، این منطقه تحت عنوان جمهوری آذربایجان به استقلال دست یافت ؛ اما بایستی اذعان نمود مردم این منطقه پس از رهایی از چنگال آهنین کمونیسم ، تحت ستم غرب و غربگرایان قرار گرفتند تا در دوره استقلال نیز ویژگی خاص قفقاز که وابستگی تاریخی کشورهای این منطقه به یک قدرت دیگر بود همچنان حفظ گردد. امروزه مردم جمهوری آذربایجان در کنار مشکلات عدیده خود با معضل اساسی تحت عنوان وهابیت روبرو هستند . وهابیت بعنوان فرقه ای خودساخته ، منشعب از مذهب سنی حنبلی است که در دویست سال اخیر سبب جنگ ها و خونریزی های بسیاری در بین مسلمانان شده است ؛ در حال حاضر چنین به نظر می رسد که جمهوری آذربایجان به محلی برای ماجراجویی این فرقه تبدیل شده است . انفجار اخیر در مسجد ابوبکر باکو می تواند مقدمه ای باشد برای ایجاد بی ثباتی دینی در جمهوری آذربایجان که بطور یقین دامنه ای بی ثباتی فراتر از مرزهای جمهوری کوچک آذربایجان خواهد بود.

زمینه های نفوذ و گسترش وهابیت در جمهوری آذربایجان :

1- همانگونه که می دانیم اکثریت مردم جمهوری آذربایجان را مسلمانان تشکیل می دهند لیکن این مسلمانان به دلیل سالها زندگی تحت سیطره تزارها و کمونیستها و سیاستهای دین ستیزی آنان از اسلام حقیقی و معارف بلند آن فاصله زیادی گرفته اند و از اسلام چیزی جز نام آن را یاد نمی کنند . پس از استقلال این جمهوری در فضای باز ایجاد شده، مردم دنبال گمشده خود یعنی دین اسلام بودند که به دلیل عدم محدودیت های فراوان در عرضه اسلام واقعی فرقه هایی از قبیل وهابیت و بهائیت توانستند اعتقادات خود را به عنوان اسلام حقیقی به بخشی از مردم آذربایجان تحمیل کنند.

2- واضعان قانون اساسی جمهوری آذربایجان پس از استقلال این کشور بدون توجه به دین اکثریت مردم ؛ قانون اساسی را بر دو پایه لائیسزم (دنیوی بودن) و سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) بنا کردند که در نتیجه آن اعتقاد به هر دینی و حتی بی دینی تجویز گردید . همین عامل و نیز واهمه دولتمردان جمهوری آذربایجان از اسلام حقیقی که دربرگیرنده همه نیازهای بشری است سبب گردید مبلغین ادیان آسمانی حتی فرقه های ضاله به تبلیغادین و باورهای خود پرداختند که در این میان وهابیت نیز گروندگانی را مخصوصاً در بین ماجرا جوانان به سوی خود جلب کرد .

3- حمایت های آمریکا و رژیم صهیونیستی از فرقه وهابیت، عامل اساسی دیگری در گسترش این فرقه در آذربایجان می باشد . این دو رژیم به دلیل اشتراکات تاریخی، دینی، فرهنگی و... مردم ایران و آذربایجان و نیز به دلیل آگاهی از علاقه قلبی مردم جمهوری آذربایجان به ایران و با احساس ترس از ایجاد حکومتی شبیه حکومت ایران در آذربایجان تلاش زیادی برای ایجاد شکاف بین مردم دو کشور شیعی جهان انجام می دهد که حمایت همه جانبه از وهابیت از جمله تلاشهای مذکور است. وهابیت به جهت اینکه نطفه تشکیلش کشورهای استعماری مانند انگلیس بوده و از پایه های اعتقادی منحرف و متزلزل و جدا از ولایت ائمه اطهار(ع) که منشا تفسیرو تبیین آیات الهی اند، برخوردار است، لذا همیشه جاهلانه شیعه را دشمن شماره یک خود خوانده و همواره سعی در ضربه زدن به شیعیان دارد، و در این بین آمریکا و صهیونیسم بین الملل هستند که بیشترین نفع را برای دشمنی با کل اسلام می برند. آنها با اطلاع از فرهنگ شیعه که در سه عنصر انتظار و شهادت و ولایت پذیری خلاصه می شود، به اهمیت قدرت شیعیان پی برده و لذا همواره با حمایت و تحریک پنهان وهابیت در جمهوری آذربایجان ، سعی می نمایند از احیاء تفکر شیعی در کشور شیعه نشین جمهوری آذربایجان جلوگیری نمایند.

4- مناقشه قره باغ و حضور مبارزان افغانی با گرایشات وهابی در محل مناقشه برای کمک به نیروهای آذری و همچنین مناقشه چچن و استفاده افراد و گروههای وهابی حاضر در این مناقشه از سرزمینهای جمهوری آذربایجان به عنوان یک مسیر ارتباطی عوامل دیگری هستند

که خواه به صورت برنامه ریزی شده و خواه به صورت ناخواسته توانسته است توجه بخشهایی از مردم جمهوری آذربایجان را به سوی وهابیت جلب نماید.

دو دستگی؛ سیاست جدید وهابیون در جمهوری آذربایجان :

امروزه در میان وهابی هایی جمهوری آذربایجان که خود را «سلفی» می نامند نوعی دو دستگی پیش آمده و آن ها به دو فرقه «جامعه ابوبکر» و «جماعه الحق» تقسیم شده اند، که هرکدام از این دو فرقه اتهامات فراوانی را برای فرقه دیگر منسوب می کنند.

در سایت اینترنتی متعلق به جماعه الحق اتهامات فراوانی علیه قامت سلیمانوف رهبر جامعه ابوبکر مطرح شده است . از بررسی مطالب مندرج در این سایت چنین تصویری حاصل می شود که «جماعه الحق» نسبت به رهبر مجاهدین چچنی دوکا عمرف (وی مدتی رییس جمهور چچن بوده ولی در سال 2007 از این سمت کنار رفته و خود را «امیر قفقاز»

نامیده است) رغبت و علاقمندی فراوانی دارند . زیرا دیدگاه های افراطی عمرف و فراخوانی های وی به جهاد به طور گسترده در آنجا منعکس شده است .

اعضای جماعه الحق ، " قامت سلیمانوف " را فتنه کار و ابلیس می نامند و وی و هوادارانش را به چاپلوسی به نفع حاکمیت متهم می کنند . آن ها از بردباری «جامعه ابوبکر» در برابر حاکمیت و موضع محتاطانه سلیمانوف در قبال فراخوانی های جهاد ، شدیداً انتقاد می کنند.

"سلیمانوف" نیز در مصاحبه با سایت مسجد ابوبکر ، مخالفان خود را بی سواد ، اهل بدعت و کافر خوانده و معتقد است که جهاد علمی بهتر از مبارزه مسلحانه است . سلیمانوف نسبت به امیر قفقاز « دوکا عمرف » نیز چنین نظری دارد و می گوید «ادعاهای وی بی ارزش و بی معنی است ، افرادی در جنگل نشسته اند و به جهاد فرا می خوانند . حتی زمانی که خود پیامبر اسلام (ص) در مکه به سر می برد و هنوز از قدرت لازم برخوردار نبود ، چنین فراخوانی هایی از زبانش شنیده نمی شد . ادعاهای آن ها بی سوادانه و به دور از مصلحت می باشد.» با انفجار اخیر در مسجد ابوبکر اختلافات این دو گروه حالت عملی به خود گرفت و وهابی های جامعه ابوبکر ؛ طرفداران جماعه الحق را عاملان این انفجار معرفی کردند. در این انفجار چند نفر کشته شده و بیش از ده نفر مجروح شدند که قامت سلیمانوف امام جماعت مسجد ابوبکر نیز جراحات سطحی برداشته بود.

لازم به توضیح است برخی گروهها و احزاب جمهوری آذربایجان مانند حزب اسلامی آذربایجان؛ تعدادی از فعالان دینی، کمیته دولتی امور دینی و نیز برخی کشورهای دیگر مانند آمریکا این انفجار را محکوم کردند.

به نظر می رسد دو دستگی ایجاد شده در بین وهابیون فعال در جمهوری آذربایجان بیش از آنکه ناشی از اختلاف اعتقادی وهابیون باشد در راستای سیاستهای جدید این فرقه و نیز به سفارش حامیان خارجی این گروه ایجاد شده است و درحقیقت نوعی تقسیم وظایف محسوب می گردد، با این توضیح که گروهی به نام جامعه ابوبکر ماموریت یافته است تحت عنوان مبارزه علمی با تشیع به تبلیغات منفی علیه ایران و نیز مردم شیعه آذربایجان بپردازند که از جمله تبلیغات آنان می توان به تهیه سی دی ها و بلوتوثهایی با مضامین ضد شیعی و ضد ایرانی؛ راه اندازی سایتهای اینترنتی جهت به سخره گرفتن اعتقادات شیعی، توزیع کتابهای تبلیغ اعتقادات انحرافی، جذب دانشجو جهت تحصیل در دانشگاههای عربستان و... اشاره نمود. همچنین گروه دیگری به نام جماعه الحق در صدد با محور قرار دادن مبارزه علمی با تشیع که از نظر آنان کافر محسوب می گردند رویارویی های ایجاد شده میان مسلمانان در عراق و سایر کشورهای اسلامی را به آذربایجان نیز منتقل نمایند؛ با این وصف انفجار اخیر مسجد ابوبکر را بایستی اقدام نمایشی گروه وهابی جماعه الحق به حساب آورد که خواسته است با این اقدام نمادین جدید خود در مبارزه با آنچه از نظر آنان مطرود است را به نمایش بگذارند و به نوبه خود می تواند مقدمه عملیات این گروه در مساجد و اماکن متبرکه مربوط به شیعیان تلقی گردد، اقدامی که در صورت عملی شدن آن؛ مذاهب مختلف اسلامی رودرروی همدیگر قرار خواهند گرفت.

سخن آخر:

بدیهی است در شرایط کنونی که آمریکا در جریان مناقشه گرجستان تحقیر شده است و نیز در راستای سیاست ایران ستیزی خود به دنبال تقویت حضور نفوذ خود در کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران می باشد بیش از هر کشور دیگری می تواند از بی ثباتی دینی در آذربایجان بهره برداری نموده و با بهانه هایی از قبیل تلاش برای حفظ آرامش و نبر حفظ منافع ملی خود به گسترش حضور خود در منطقه اقدام نماید؛ همچنین به وجود آمدن این وضعیت خواسته رژیم صهیونیستی نیز می باشد چراکه در نتیجه تحقق آن می تواند با هزینه کمتری از منابع انرژی این کشور استفاده نموده و نیز نفوذ خود و گروههای یهودی در آذربایجان را بیش از پیش افزایش دهد.

ناگفته پیداست پیدایش این وضعیت بیش از هر کشور دیگری با منافع ملی ایران در تضاد می باشد ضمن اینکه دولت کنونی آذربایجان نیز در دراز مدت خسارتهای عمده ای را از این وضعیت متحمل خواهد شد و آرزوی رنگ باخته بازگشت قره باغ به آذربایجان به طور کلی منتفی خواهد گردید.

در حال حاضر مردم مسلمان آذربایجان اعم از شیعه و سنی می توانند در سایه شناخت اسلام اصیل، با گروههای منحرفی مانند وهابیت به مبارزه علمی و تبلیغاتی بپردازند تا از گرفتار شدن در دامی که گروههای وهابی با حمایت برخی قدرتهای خارجی برای آنان پهن نموده اند نجات یابند. ضمن اینکه بایستی بدانند وهابیت نه دین است و نه مذهب بلکه فرقه ای است خودساخته که منشعب از مذهب سنی حنبلی است و علمای اهل سنت و به ویژه مذهب حنبلی نیز بارها، با محکوم کردن عملکرد این گروهک در دویست سال اخیر که سبب جنگ ها و خونریزی های بسیاری در بین مسلمانان شده است برائت خود از این فرقه را اعلام نموده اند.